

نقش كينه توزی، بیسوادی و نابخردی

مدعیان روشنفکری در شورش ۵۷

امیرفیض - حقوقدان

سرکارخانم دکترمهراملکی در رابطه با شورش ۵۷ گفتگوی قابل تحسینی با تلویزیون آریانی برنامه آقای باقری داشتند. خاصه از آنجهت که با جلوه هائی از حقایق مستند همراه بود، آفرین ها را سزاوار است.^۱

تقارن زمانی مصاحبه خانم دکترمهراملکی با تحریر مورخ ۲۰۱۴/۲/۱۱ اینجانب «موضوع شناسنامه سیاسی ۲۲ بهمن»^۲ لازم ساخت که توضیح زیر بر بخشی از اظهارات سرکارخانم وارد باشد.

فشرده اظهارات مصاحبه شونده (خانم دکترمهراملکی) این بود که «کینه توزی و بی سوادی و نابخردی مدعیان روشنفکران باعث پیروزی انقلاب ۵۷ گردید».

ایشان بمنظور اثبات صورت مسئله، به همکاری حزب توده و اینکه مریم کیانوری از خانواده قاجار بوده و با سلطنت پهلوی کینه ای دیرینه داشته، آنرا موثری جدی و تاثیر پذیرد در همکاری نورالدین کیانوری و حزب توده، با شورشیان مذهبی ۵۷ که مصاحبه کننده آنرا در قالب انقلاب بیان کرده میداند و علاوه بر آن به موضوع دکترسنجابی رهبر وقت جبهه ملی و خیانت به شاه و همکاری او و همکارانش با خمینی اشاره مفصل و تاریخی داشته و کینه توزی او و همکارانش را از اسباب پیروزی شورشیان گرفته اند.

تناسب در رابطه علت و معلول

یکی از اسباب تاویل رابطه علت و معلول، وجود تناسب است، کینه توزی و یا نابخردی و بیابیسوای روشنفکران، تناسبی با عظمت شورش ۵۷ بهیچوجه ندارد. درست یاد آور همان داستانی است که پشه ای به درخت کهنی گفت محکم باش که میخوام از شاخه تو بلند بشوم.

کینه توزی که پایه انتخابی مصاحبه شونده بود در معادله مزبور حتی از نابخری و بی سوادی هم ضعیف تر است.

کینه توزی حادث از حسادت و رشک است و هردوی آنها از احساس مقوله برتری است، که دیگران دارند و کینه توز ندارد، و این حالت شور و وصفی در انسان بوجود میآورد که کینه توزی نامیده میشود.

^۱ - گفتگو را در اینجا بشنوید. <http://1400years.org/MMalekiJebebeh.asp> ح-ک

^۲ - این نوشته را اینجا بخوانید:

حكيم مولوی ميگويد؛ از آنجا كه عظمت و كمال و برتری شاه يك موهبيت الهی است همانطور كه هيچكس انتظار ندارد كه جای خدا باشد همانطور هم هيچكس رشك و حسد به شاه ندارد.

يکی از فلاسه در رابطه با فرهنگ ايرانيان گفته است:

«ايرانيان ذاتا به پادشاهشان احترام خداگرايانه دارند و اين احترام و وفای قهری و طبيعی، بادگرگونی صورتها، دگرگون نميشود»

وفای قهری و طبيعی، قوه ای است مافوق حسادت و كينه توزی و دشمنی و دركلامی ديگر وفاداری و مهر به شاه، ابدی و واقعی، و دشمنی و كينه توزی موقتی و احساسی است.

در تاريخ زندگی ملك حسن دوم پادشاه مراکش آمده است كه دريك ميهماني درباری جمعی از مخالفان شاه با توطئه قبلی به ميهماني حمله ميکنند و ملك برای حفظ جان خود به تواليت مخفی ميشود، يکی از شورشيان كه مسلح هم بوده به بازرسی تواليت هاميرود ملك حسن دستش را از لای دربيرون ميآورد و ميگويد «من ملك هستم» بلافاصله همان شورشی مسلح دست ملك راميبوسد و محافظ جان ملك ميشود.

در دوران سلطنت شاهنشاه آريامهر هم موارد مشخصی وجود دارد كه تروريستها و مقدمين عليه شاه، كينه توزی و دشمنی خود را رها ساخته و به اصل وفاداری و مهر به شاه رجوع کرده اند.

نسبت در كينه توزی

ممکن است كينه توزی از سوی شاگرد مغازه يك بقالی سبب ورشگستگی آن بقالی بشود ولی تصور اينكه كينه توزی چند نفر بتواند رژيم ۲۵۰۰ ساله ايران را سرنگون کند بکلی باطل و ناخوشايند است.

ناخوشايند، بدین جهت است كه وقتی محقق، بجای حرکت در مسير اصلی و علت ريشه ای تحقيق، به فرعيات و خيالات و اوهام پرداخت كم كم همان فرعيات، حالت اصل پيدا ميکند و بکل اصل فراموش ميشود و در نهايت، در كمال شهامت به دفاع از همان فرعيات ميپردازد (کاری كه مصاحبه كننده پيگير آن بوده است).

در كمال تاسف ظهور علاقه و ابراز تكليف به شناخت علت در شورش ۵۷ بسيار نادر است و هر چه هم خارجيان پی در پی از نقش کشورهای بزرگ و منافع آنها در براندازی رژيم شاهنشاهی ايران و برقراری اين رژيم غاصب منحوس پرده برداری ميکنند، اين توجهات آنها همچنان ايرانيان را در همان اوهمات و حواشی تصویری شورش ۵۷ و علت پیروزی شورشيان مشغول ساخته است.

از باب نمونه

اعليحضرت اظهار نظر فرموده اند: «مطمئنا اگر کمبود ها و كاستی هادر حکومت پيشين وجود نداشت، مواجهه با يك تغيير حکومت نميشديم» (سخنرانی در انجمن ملی مطبوعات آمريکا و اشنگتن ۱۳۷۹)

حرکت در اين مسير نادرست و القائی همچنين پيش رفت و رفت تا بدانجا كه رسيدند به اينكه؛ «هيچكس نمیتواند منكر انقلاب باشد و هر كس كه آنرا نفی کند از روند جريانات تاريخی بی اطلاع است» (اعليحضرت در اجتماع ايرانيان در لوس آنجلس)

نمونه دیگر

❖ <علت انقلاب اسلامی عدم رعایت قانون اساسی مشروطیت از جانب شاه بود> (جبهه ملی ونهضت آزادی).^۳

نمونه دیگر

❖ علت مشارکت فرانسه در مخالفت با شاهنشاه و شرکت در گوادلپ این بوده که ژیسکار دستن برای ملاقات با شاهنشاه در سنت موریتس معطل مانده بوده است.

نمونه دیگر

❖ تازه ترین بهانه که بی بی سی مبتکر آن است میگوید: <شاه به اسلام عقیده ای نداشت> و به کتاب علیاحضرت و مادر شاهنشاه استناد کرده است.^۴

در حالیکه شاهنشاه در تقریرات خودشان اعتقاد به اسلام و تشیع را تاکید داشته و عملاً هم آنرا به اثبات رسانده اند (علاقمندان به رساله «اوچنین بود» از انتشارات سنگر رجوع کنند) و اساساً ثالث نمیتواند علیرغم اقرار یک مسلمان به اسلام، برای آن مسلمان اقرار کننده زیج بگیرد و انگهی شخص شاه گفته است:

<من شخصا به دین و مذهب ایمان دارم ولی از نظر علمی ممکن است این ایمان من درست نباشد>

(خاطرات علم)

عالیترین پاسخ حکیمانه که میتوان درباره اسلام یافت همان اظهار نظر شاهنشاه است.

طرح موضوع شاهنشاه آریامهر و اسلام در این روزهای مصادف با کودتای بهمن ۵۷ با این نیت است که انگیزه شورش و برقراری حکومت اسلامی را بی دینی شاه معرفی کند یعنی حرکت دادن فکر مردم به سوراخی که اصلاً گشوده نبوده است.

قابل توجه خانم دکتر مهرا ملکی

بهبتر است که گفتگوی در موضوع قابل توجه خانم مهرا ملکی بایک تشبیه همراه باشد؛

درخت کهنی که از جاکنده شده علتش برای همه یکسان نیست، عده ای که تقدیری هستند آنرا خواست خدا میدانند. پشه ها ممکن است علت افتادن درخت تنومند را عدم تحمل وزن و حرکت پشه ها بدانند، و همچنین ممکن است عده ای حسادت و کینه توزی علفها و درختچه های اطراف آن درخت تنومند را علت افتادن درخت بدانند.

^۳ - و هرگز نمی توانند نمونه و موردی در این رابطه بصورت واضح و روشن بیاورند و تنها در سطح ادعا باقی میماند. ح-ک

^۴ - لازم است بدانیم کتابی از سوی ملکه مادر نوشته نشده و کتابی که در دست است ساختگی است و کتاب علیاحضرت هم دوبار تحریف شده است. ح-ک

ولی متخصص، بابررسی درخت و ملاحظات جنبی و احوالات طبیعی درخت میگوید خیراین درخت کهن در اثر گردبادی بسیار قوی که بدون هیچگونه مانعی بردرخت کهن سایه افکن فرود آمده این درخت ازپا افتاده است.

البته نباید انتظارداشت که پشه ها و تقدیری ها و علفهای اطراف درخت، نظر متخصص درخت را قبول کنند، اما فقط دراین معادله یک تغییر وجوددارد که طرف قبول ویارد، انسان است نه جماد و یا حیوان یعنی واجد فکروقوه تشخیص و از همه مهمترانصاف و وجدان است.

واما بعد = گردباد قدرتمند بود نه کینه توزی علفها

قبل ازاینکه به عظمت گردباد سال ۵۷ پرداخته شود تا یقین کنیم که مقاومت درمقابل چنین گرد بادی ممکن نبود و نمیتوان علت و انگیزه آن گرد باد را ناشی از کینه توزی چند ایرانی و بهانه های قانون اساسی دانست بهتر است علت واقعی گرد باد آن سال، مورد پژوهش قرارگیرد.

شاهد اول

شاهد اول شاهنشاه ایران است که به تاریخ شهادت داده اند:

> آمریکا از سال ۱۹۷۴ میخواست مراسم ننگون کند. در اواسط ۱۹۶۰ قراردادی که ایران با ماته ای بست و سیاست هائی که شرکت های بزرگ نفتی رانگران میکرد، غربی ها به من و تمایلم به درهم شکستن آنچه که بما تحمیل کرده بودند بد گمان شدند و هرچه من در این راه، پیروزی بدست میآوردم، این بیم و بدگمانی آنها بیشتر میشد. بویژه وقتی که در ابتدای دهه هفتاد بهای نفت افزایش یافت شدت بدبینی علیه من افزایش یافت. آنها اکنون در نظر دارند انتقام بگیرند <

شاهد دیگر

کسینجر در سال ۱۹۷۴ شهادتی در راستای شهادت شاهنشاه ایران داده است؛ او دریکی از جلسات شورای امنیت ملی آمریکا گفت:

> اگر شاه بخواهد خط مشی کنونی خود را ادامه دهد و سیاستی را که در چارچوب کشورهای نفتی اتخاذ کرده تغییر ندهد این سیاستی است که مسلما به سود ما نخواهد بود. شاه، در سردارد که ایران را بیک قوه بزرگ تبدیل کند، نه به کمک ما بلکه با استفاده از وسائیل دیگر از جمله همکاری با همسایگان، و او اضافه کرد؛ در اینجا برخی عقیده دارند که یاباید شاه از سیاست های خود دست بردارد و یا باید او را عوض کنیم <

(علاقمندان به موضوع میتوانند به رساله < پیروزی تاریخی > در سایت ۱۴۰۰ سال ° رجوع فرمایند تا ملاحظه شود که نیکسون و جerald فورد چه التیماتوم های شدیدی به شاهنشاه ایران برای توقف سیاست

های نفتی ایران داده اند و شاهنشاه ایران چه پاسخی قاطعی به غیرقابل تغییر بودن سیاست مستقل نفتی ایران به آنها گفته اند.

شاهد دیگر

آقای انتونی پارسونز سفیر انگلستان در ایران در سال ۵۷ ۱۳ در مصاحبه با کیهان لندن گفت:

«عامل انقلاب اسلامی ایران افزایش بیش از حد قیمت نفت بود. مسئولیت این افزایش قیمت را باید بر عهده شاه دانست که قیمت نفت را تا سه برابر افزایش داد»

همین شاهد معتبر در کتاب نوشته است:

«شاه میخواست ایرانیان را از مسیر زندگی سنتی اسلامی خود خارج کرده و ایران را در آغاز قرن بیست و یکم به یک کشور اروپایی مبدل کند، و کاری را که آتاتورک برویرانه های امپراطوری عثمانی، ترکیه نوینی بنا کرد و این چنین کاری مورد تائید ما (انگلستان) نبود ما خواستار حفظ زندگی سنتی و اسلامی ایرانیان بودیم» (صفحه ۲۳ کتاب) ^۶

حکم شهود قضیه

حکم شهود قضیه که رعایت اختصار و تعدد شهود شده این است که علت و انگیزه شورش ۵۷ نفت و افزایش قیمت آن در رابطه با منافع ملی کشور بوده است، نه ادعای عدم رعایت قانون اساسی و یا مخالفت و یا کینه توزی چند عنکبوت، که سنجابی تعداد آنان را حدود بیست و چند نفر دانسته است.

ایجاد گردباد عظیم برای برانداختن شاه

در شهادت کسینجر دیدید که گفته بود: «عده ای از اشخاص شورای امنیت آمریکا عقیده داشتند که اگر شاه ایران، سیاست نفتی اش را عوض نکند باید او را برداشت»

شورش ۵۷ علیه رژیم شاهنشاهی ایران گردباد قدرتمندی بود که برای متوقف کردن سیاست نفتی شاه، به توصیه شورای امنیت آمریکا براه افتاد.

طوفان با مشارکت و توافق کشورهای آمریکا و آلمان و انگلستان و فرانسه و حتی شوروی علیه ایران تدارک و بر سر شاهنشاهی ایران فرود آمد، و حتی یک کشور در جهان، در جریان این حمله بصورت مانعی ولو ضعیف قرار نداشت. و حتی شوروی که در گوادلیپ حضور نداشت، در اسناد سیاسی منتشر شده آن کشور آمده است که (شوروی از جریان علیه شاه و برکناری او خشنود بود ولی میخواست که این امر یوسيله آمریکا صورت گیرد).

^۶ - این دلیل حقیقه کردن «حکومت اسلامی» در ایران بود... امروز هم اگر در اینجا و آنجا حکومت های اسلامی تجویز و تحمیل میشود ابزاری مقابله کننده در مقابل نفوذ آمریکا است. ح-ک

بموازات توافق آن کشورها عوامل وستون پنجم آن کشورها نقش معمول همه ستون پنجم کشورها را در ایران ایفا کردند، ستون پنجم آمریکا که در نهضت آزادی و جبهه ملی و کنفدراسیون دانشجویان بسیج شده بود به حرکت افتاد.

آمریکا وستون پنجمش

بازرگان در روزنامه اطلاعات تهران نوشته است:

«پایه گذاران و اعضاء و علاقمندان به نهضت آزادی ایران و نهضت مقاومت ملی نه تنها با آمریکا بلکه با بعضی از کشورهای اروپائی و دولتهای وقت آن کشورها ارتباط های کم و بیش پنهانی داشتند و این تماسها نه تنها از چند ماه قبل از پیروزی انقلاب بلکه از ۲۸ مرداد ماه سال ۱۳۳۲ ادامه داشته است البته گروه های دیگر ملی مذهبی هم چنین شیوه هائی را داشته اند. او نوشته است هدف از این تماسها دو چیز بوده است یکی بازگشت آیت الله خمینی و هدف دوم برگشت دادن افکار عمومی مردم جهان از شاه < (اطلاعات ۱۶۰۶۹)

توافق آمریکا و نهضت آزادی چه بود؟

در اسناد سفارت آمریکا سندی است بتاريخ آبانماه سال ۵۷ که از وزارت خارجه آمریکا به سفارت آنکشور در تهران رسیده؛ سند به امضای هنری برشت و موضوع سند < نزدیکی آمریکا به جبهه ملی که بسیار محرمانه معرفی شده است >

سند میگوید:

«مرتضی بازرگان برادرزاده مهدی بازرگان در تاریخ ۲۴ آذر با مقام وزارت خارجه آمریکا در ساختمان وزارت خارجه آمریکا ملاقات کرد (مرتضی بازرگان از هواداران اصلاح طلبان و جنبش سبز که در خارج از ایران زیر سایه مالی آمریکا زندگی میکند).

او یعنی مرتضی بازرگان به وزارت خارجه آمریکا گفت آمریکا نباید از رفتن شاه نگران باشد جبهه ملی میخواهد آمریکا را مطمئن سازد که دولتی که توسط جبهه ملی اداره میشود با آمریکا برخورد دوستانه خواهد داشت و حتی نفت هم به اسرائیل خواهد فروخت، او گفت طرحی را که ذیلا میگوید با موافقت سنجابی و خمینی است (وزارت خارجه آمریکا اظهار نظر بازرگان را در موافقت خمینی باور نداشته).

- ❖ در کابینه آینده هیچ ملانی صاحب پست و مقامی نخواهد بود.
- ❖ جناح مخالف از شاه خواهد خواست که یک شورای سلطنت تشکیل بدهد و بعد از ایران برود.
- ❖ شورای سلطنت کابینه جدیدی بریاست بازرگان تشکیل میدهد - در مدت کوتاهی انتخابات مجلس و یک هیئت قانونگزاری که قاون اساسی را اصلاح کند برگزار خواهد شد.
- ❖ ایران با جبهه ملی، در پی بهترین شرائط ممکن با غرب خواهد بود و حتی به فروش نفت هم به اسرائیل ادامه میدهد.
- ❖ اگر مجلس قانونگزاری (مقصود مجلس موسسان است) رای به حفظ سلطنت داد شاهزاده رضا پهلوی دعوت به بازگشت میشود و اگر رای به جمهوری داد انتخاب رئیس جمهوری خواهد شد.
- ❖ دولت جبهه ملی صد درصد ضد کمونیست خواهد بود - آزادی مطبوعات خواهد داشت.

❖ شاه با ۱۰ تا ۱۵ افسر عالی‌مقام ارتش ایران راترک میکنند.

کارمند وزارت خارجه آمریکا سوال کرد که آمریکا چه باید بکند؟

بازرگان گفت: در ایران امروز ایجاد یک حکومت ائتلافی باماندن شاه امکان پذیر نیست. امید داریم آمریکا از طرح جبهه ملی حمایت کند چون در نتیجه آن آمریکا با ایران روابط دوستانه خواهد داشت بدین علت که ایران برای پیشرفت خود محتاج به غذا، قطعات یدکی و خدمات و تکنولوژی میباشد.

کارمند وزارت خارجه آمریکا از آقای بازرگان تذکر کرد و گفت گزارش جریان رابه مقامات ذی علاقه خواهد داد، و به بازرگان گفت که پس از بازگشت به تهران با لمبراکس در سفارت آمریکا تماس بگیرد.

(جلد ۲۱ اسناد سفارت آمریکا صفحه ۵)

ستون پنجم انگلستان در گردباد ۵۷

در قسمت قبل این تحریر به کتاب و اظهارات آقای پارسونز استناد شد که یکی از عللی که انگلستان در گرد باد علیه رژیم شاهنشاه ایران شرکت کرد سیاست شاه بر اروپایی کردن ایران، و ترک سنت های اسلامی بود که بنابر گفته پارسونز؛ انگلستان با آن سیاست مخالف بود.

این قسمت از خواست انگلستان دقیقاً با خواست ملا های ایران هماهنگ بود بالطبع ستون پنجم برای اجرای نیت انگلستان طبقه باصطلاح روحانیت بودند که با سابقه ۳۰۰ ساله اهرمی برای تکان دادن حکومت و دربار و ارتش به حساب میامدند.

در ایران علاوه بر نیروها و سازمانهای سیاسی و اقتصادی یک سازمان موثر و کاملاً متنفذ دیگری هم هست که از تمام منابع قدرت هادرایران قویتر و اولحاظ مامورد اعتماد تراست و آن روحانیت شیعه است که از سالهای طولانی در ایران نقش بنیادی و کارساز داشته اند و خوشبختانه مادر میان آنها دوستان خوب و نزدیکی داشته و داریم. این نیرو میتواند در ایران کارساز باشد و هر وقت لازم بشود حتی بر نیروهای دیگر از قبیل دربار و ارتش تاثیر بگذارد و با سلاح مذهب و جهاد هر مشکلی را حل کنیم. مهم آن است که توقعات آنها از ما زیاد نیست و هر وقت لازم باشد میتوانیم آنها را وارد صحنه کنیم و هر وقت هم مقتضی باشد به آسانی ساکت و خانه نشین سازیم < (لرد ویول وزیر خارجه انگلستان - گرفته شده از کتاب توضیح المسائل شادروان شفاو کتاب اسرار عوامل سقوط ایران).

و اکنون همان ستون پنجم انگلستان، عوامل ستون پنجم آمریکا (جبهه ملی و.....) و حزب توده ستون پنجم شوروی را به عقب رانده و خود غاصب ایران شده اند و در نهایت گردباد تازه ای میان ستون پنجم انگلیس (ملاهای حاکم) و ستون پنجم آمریکا (اصلاح طلبان و جنبش سبز) آغاز شده است.

خطاب به خانم دکتر مهر املکی

آقای مرتضی کاظمیان مقاله ای درباره شورش ۵۷ منتشر ساخته که عنوان آن <گوادلیپ تیر خلاص شاهنشاهی ایران بود> مقاله ای هستند که با عنوان هماهنگی خاص معنایی دارد.

تیر خلاص شاهنشاهی ایران را کشورهای مقتدر جهان به ایران شاهنشاهی شلیک کردند نه کینه توزی چند پشه.

امیر فیض

از تلویزیون اریائی خواهش دارم تحریر حاضر را به اطلاع خانم مهرا ملکی برسانند. قبلا از قبول این درخواست تشکر مینمایم

امیر فیض

